

چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران (راهکارهای برون‌رفت)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۹

غلامرضا مصباحی مقدم*

چکیده

بانکداری بدون ربا در ایران، در حال حاضر دچار چالش‌های مهمی است که برای حل آنها باید اقدام جامع و عاجل صورت گیرد تا نظام بانکی از ناحیه این چالش‌ها دچار بحران بزرگ نشود. پرسش اصلی تحقیق این است: «مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی بدون ربا در ایران و راهکارهای برون‌رفت از آنها کدام است؟ نویسنده با استفاده از روش توصیفی به بیان چالش‌های نظام بانکی می‌پردازد و با استفاده از روش تحلیلی به بیان علل بروز مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای برون‌رفت از آن می‌پردازد. مهم‌ترین چالش‌ها عبارت‌اند از: رقابت در افزایش «نرخ سود علی‌الحساب» سپرده‌ها، نرخ بالای مطالبات غیرجاری بانک‌ها، پایین بودن نرخ کفایت سرمایه بانک‌ها، تعداد زیاد شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی-اعتباری، صوری عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی-اعتباری در عقود مبادله‌ای و مشارکتی، جرایم انباشته شده دیرکرد و کارکرد ربوی آن، افزایش شدید گرانش بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسات مالی-اعتباری، بنگاهداری بانک‌ها، خلق پول توسط بانک‌های عامل و بروز فساد در نظام بانکی و اداری. یافته‌های مقاله افزون بر اثبات این چالش‌ها راهکارهای برون‌رفت از آنها را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: بانکداری بدون ربا، سود علی‌الحساب، مطالبات غیرجاری، کفایت سرمایه و معاملات صوری.

طبقه‌بندی JEL: G29, G21, Z12

۱۱۷

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هجدهم / شماره ۶۹ / بهار ۱۳۹۷

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مسائلی که نظام جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه شد، حاکمیت ربا و نرخ بهره در نظام بانکی بود. مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ لایحه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن، بانکداری بدون ربا جایگزین بانکداری ربوی شود و این قانون از آغاز سال ۱۳۶۳ به صورت یکباره در همه بانک‌های کشور به اجرا درآمد. انتظار این بود که اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در همه بانک‌ها موجب ریشه‌کن شدن ربا شود و بانکداری بدون ربا به صورت کارآمد در خدمت پیشرفت اقتصادی کشور عمل کند؛ اما متأسفانه از آغاز اجرای این قانون، نظام بانکی با مشکلاتی روبه‌رو شد که با گذشت بیش از سی سال نه تنها کم نشده، بلکه بر آن افزوده شده است. تا کنون مقالات، تحقیقات و پایان‌نامه‌های متعددی ناظر به این مشکلات و ارائه راه حل آنها نوشته شده که هر کدام به مواردی از این مسائل پرداخته‌اند. فقدان مطالعه‌ای جامع و علمی نسبت به مشکلات نظام بانکی از جهت شرعی و کارایی به‌روشنی احساس می‌شود. در این مقاله با اشراف نویسنده نسبت به اکثر تحقیقات انجام شده و کاستی‌های آنها در صدد طرح مهم‌ترین چالش‌های بانکداری ایران و ارائه راه حل‌ها برآمده است. امید است با مطرح شدن این چالش‌ها و راه حل‌ها، دولتمردان و مسئولان اقتصاد کشور از وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و مجلس شورای اسلامی اقدامی بایسته برای اصلاح اساسی نظام بانکی انجام دهند و جلو بروز بحران بزرگ اقتصادی در کشور ناشی از چالش‌های بانکداری را بگیرند:

پیشینه پژوهش

در مورد موضوع مقاله، پیشینه تحقیق در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه بسیار زیاد است. به گزارش تعدادی از آنها می‌پردازیم:

الف) کتاب‌ها

۱. غلامرضا مصباحی مقدم (۱۳۸۵) در کتاب **مسائل کنونی پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها**، بخش دوم، مقالات متعددی درباره مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌های حل آنها ارائه و مسائلی از قبیل تأخیر در بازپرداخت بدهی‌ها، نپذیرفتن تصور زیان در

حساب‌های سرمایه‌گذاری توسط مردم، مخاطره اخلاقی، دشواری عملیات مضاربه، عدم رعایت دقیق احکام شرعی، شاخص اندازه‌گیری سود به جای نرخ بهره را مطرح کرده است.

۲. محمدتقی نظرپور و سیدعباس موسویان (۱۳۹۴) در کتاب **بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه** به چالش‌های بانکداری بدون ربا، از جمله مخاطرات اخلاقی، صوری بودن معاملات، تأخیر در بازپرداخت بدهی‌ها و راه‌حل این چالش‌ها پرداخته‌اند.

ب) مقالات

۱. مهدی رضوی و اسماعیل شمسیان (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی سیستمی تعیین نرخ سود بانکی در ایران» ساختار عملی بانکداری اسلامی را توضیح داده و اقدام به طراحی سیستم تعیین نرخ سود بانکی کرده‌اند و به اجرای اثرگذار بر تعیین نرخ سود بانکی مانند نرخ سپرده قانونی، تسهیلات تکلیفی، نرخ سود عقود مبادله‌ای، سیاست‌های مالی دولت، سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، امنیت اقتصادی، تورم، سهم‌الشرکه بانک و حق‌الوکاله بانک اشاره کرده‌اند.

۲. محمدرسول آهنگران و فرشته ملاکریمی خوزانی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی» به اشتراط وجه التزام یا جریمه دیرکرد در عقود بانکی پرداخته و با استفاده از منابع فقه امامیه اثبات کرده‌اند که وجه التزام بانکی، ماهیت تنبیهی دارد و متفاوت از خسارت تأخیر است که جنبه ترمیمی دارد.

۳. علی انصاری (۱۳۹۰) در مقاله «دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار» به تمایز انواع بدهکاران و توجه به ماهیت عقود مشارکتی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دریافت خسارت تأخیر تأدیه در موارد اعسار و ورشکستگی مجاز نیست؛ همچنین دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای مشارکتی را نادرست شمرده است.

۴. محمدتقی نظرپور و علی رضائی (۱۳۹۲) در مقاله «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات» به تبیین ریسک اعتباری پرداخته که بیشترین نقش را در توان سودآوری بانک ایفا می‌کند و با استفاده از

روش توصیفی و تحلیل محتوا به اثبات این فرضیه پرداخته‌اند که عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کنند؛ اما عقود مبادله‌ای نیز واجد ریسک‌اند و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند؛ از این رو به ارائه هشت راهکار جامع برای کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها پرداخته‌اند.

۵. سیدامیرحسین اعتصامی و محمدجواد شریف‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله «مدیریت عقده‌های مشارکتی بانک‌ها بر اساس الگوی تکافل اصناف» با روش توصیفی - تحلیلی به چالش‌های قراردادهای مشارکتی در نظام بانکی پرداخته و مدلی جایگزین در جهت اجرای صحیح این نوع قراردادها در قالب نظام بانکداری بدون ربا ارائه داده‌اند.

۶. سیدعباس موسویان و میسمی حسین (۱۳۹۳) در مقاله «آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی» با روش توصیفی - تحلیلی به مقوله نظارت بر انطباق روابط موجود در نظام بانکی با ضوابط شرعی پرداخته‌اند و توصیه‌های سیاستی جهت اجرایی‌سازی نظارت، شرعی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی پیشنهاد کرده‌اند و در پایان نمونه‌ای از قوانین و مقررات لازم در سه سطح ارائه کرده‌اند.

۷. حسن سبحانی و محمد امیرعلی (۱۳۹۳) در مقاله «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا» ضمن ارائه معیارهایی مانند کارایی اقتصادی، برابری در دسترسی به تسهیلات بانکی و اولویت اعطای سپرده‌های قرض‌الحسنه در جهت تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی و معیارهای حفظ ارزش پول ملی، شفافیت اطلاعات و نظارت، به عنوان اصول عدالت صیانتی این نتیجه را گرفته‌اند که «شاخص بازدهی دارایی‌ها» به عنوان معیار ارزیابی اعطای تسهیلات بر مبنای کارایی اقتصادی به‌طورکلی، مطلوب نیست.

۸. علی حسین صمدی و مجتبی پروین (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی چالش‌های نظری و عملی بانکداری جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیر اسلامی» با روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه موانع رقابت‌پذیری، ریسک شریعت، عدم همسویی با استانداردهای بانکداری اسلامی و متعارف و عوامل سیاسی مانند تحریم‌ها را به عنوان «چالش‌های نظام بانکی ایران در برقراری ارتباط» مطرح ساخته‌اند.

۹. محمد طالبی (۱۳۹۵) در مقاله «شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر چالش‌های نظام بانکی» این چالش‌ها را مطرح کرده است: افسارگسیختگی سود بانکی، شبهه غیرشرعی بودن عملیات بانکی، بدهکاران معوق، رشد مازاد برداشت‌های بانک‌ها، مشکلات ساختار و تقسیم وظایف بانک، نواقص نظام‌های اطلاعاتی و نواقص در ابزارها و سیاست‌های پولی و قوانین مداخله‌گر در امور بانک.

ج) رساله‌ها

۱. حسن جلالی (۱۳۸۹) دانشگاه امام صادق (ع) در رساله دکتری خود با عنوان: «بررسی فقهی فروش اقساطی در نظام بانکداری بدون ربا و شبهات آن و ارائه راهکار (مطالعه موردی بانک ملی ایران)» به مشکلات قرارداد فروش اقساطی پرداخته است.
 ۲. محمد/مین علی‌نقی لنگری (۱۳۹۴) دانشگاه امام صادق (ع) در رساله دکتری خود با عنوان «الگوی مطلوب سود بانکی در نظام بانکداری اسلامی بر اساس آموزه‌های فقه امامیه» با روش تحلیلی به نقد الگوی سود بانکی کنونی پرداخته و الگویی جایگزین به عنوان الگوی مطلوب سود بانکی ارائه کرده است.
 ۳. صادق الهام (۱۳۹۴) دانشگاه امام صادق (ع) رساله دکتری خود را با عنوان «چالش‌های فقهی اجرائی شدن عقود در بانکداری اسلامی با مطالعه موردی مضاربه و جعاله» به مشکلات این دو عقد در نظام بانکداری ایران پرداخته و راه برون‌رفت را ارائه کرده است.
 ۴. محمود اکبری، (۱۳۹۵) دانشگاه امام صادق (ع) در رساله دکتری خود با عنوان «عقد اجاره به شرط تملیک در بانکداری بدون ربا (ماهیت فقهی، چالش‌های فقهی)» به مشکلات فقهی عقد مزبور و ارائه راه‌حل پرداخته است.
- همان‌گونه‌که از گزارش پیشینه پژوهش به دست می‌آید، تحقیقات فوق جامعیت نسبی ندارد. بعضی از تحقیقات از مطالعه فقهی خوبی برخوردار است، ولی از جوانب دیگر مطالعه نشده است و نگاه کلان به چالش‌های نظام بانکی صورت نگرفته و گاهی راهکار مناسبی برای حل مشکل ارائه نشده است.

مرور مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری در ایران

ابتدا مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری در ایران را مرور می‌کنیم:

۱. سود علی الحساب و رقابت در افزایش آن

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در مجلس شورای اسلامی، شورای پول و اعتبار مصوبه‌ای را ابلاغ کرد. در این مصوبه بانک‌ها مجاز شدند که به سپرده‌گذاران به صورت فصلی سود علی الحساب بپردازند. در قانون مصوب مجلس چنین موضوعی پیش‌بینی نشده بود. بر اساس ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از ابزارهای ذیل در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند:

۱. تعیین حداقل یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه.
۲. تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت.
۳. تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام‌شده مورد معامله.
۴. تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر اینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانک‌ها دریافت می‌شود.
۵. تعیین نوع، میزان، حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده ۶ و تعیین ضوابط تبلیغات برای بانک‌ها در این مورد.
۶. تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسبه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض‌الحسنه برای بانک‌ها یا هر یک از آنها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطائی برای هر مشتری (سایت بانک مرکزی، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این قانون از «تعیین نرخ سود سپرده‌ها» از سوی بانک یا شورای پول و اعتبار سخنی نیامده است. قانون‌گذار آگاهانه چنین کاری نکرده است. بر اساس روح بانکداری اسلامی، بانک‌ها نباید نرخ‌ها را از پیش تعیین و تضمین شده برای سپرده‌ها اعلام کنند؛ زیرا باید سود واقعی سپرده‌ها تقسیم شود. این سود بعد از به‌ثمرنشدن سرمایه‌گذاری‌ها و سوددهی آنها به دست می‌آید (رضوی و شمسیان، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

بر مبنای ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا «منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ۳ این قانون، بر اساس قرارداد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاران و رعایت سهم منابع بانک، به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کارگرفته‌شده در این عملیات تقسیم خواهد شد (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۵).

بر این اساس بانک باید پس از حسابرسی سالانه سود و زیان، سود واقعی تحقق‌یافته را شناسایی و با رعایت سهم بانک، سهم سود سپرده‌گذاران را بین آنان متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری تقسیم کند.

امکان اعلام «سود علی‌الحساب» برای سپرده‌ها منشأ رقابت بانک‌ها با یکدیگر در افزایش آن شد تا هر بانک بتواند در مقابل رقبا، منابع مالی بیشتری را جذب کند. تا پیش از تصویب قانون فعالیت بانک‌های خصوصی، تقریباً در دو دهه اول اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، با توجه به اینکه بانک‌ها محدود به ده بانک دولتی بود و مدیریت یکپارچه آنها امکان رقابت در افزایش «سود علی‌الحساب» را نمی‌داد و نظارت بانک مرکزی نیز قوی‌تر اعمال می‌شد، این پدیده آثار زیان بار خود را بروز نداد.

مهم‌ترین اشکالی که در دو دهه اول مطرح بود، این بود که سود «علی‌الحساب» اعلام‌شده، غالباً بدون کم و زیاد اعمال می‌شد و از نظر افکار مشتریان و کارکنان بانک‌ها این سود، همان سود تضمینی بود که بانک‌ها به تناسب کوتاه مدت بودن سپرده یا بلندبودن آن نرخ‌ها را اعلام و اعمال می‌کردند و کسی در پایان سال مالی در انتظار اعلام سود قطعی نبود تا احتمالاً مابه‌التفاوتی دریافت کند.

البته این رویه اشکالاتی مهم در برداشت؛ از جمله تضمین سود برای سپرده‌ها که مشروعیت نداشت، عملاً تحقق یافت. به جای سود ناشی از تولید و تجارت و برگشت آن

به بانک‌ها، «سود پول» متناسب با مبلغ و مدت سپرده و روز شمار به سپرده‌گذاران پرداخت شد که چیزی جز «بهره پول» و ربا نیست. در طرف مقابل از مشتری با درصد بالاتری «سود پول» دریافت می‌شود و «سود پول» برای بخش تولید و تجارت، جزو هزینه‌های آنان محاسبه می‌شود و بر اثر بالا و پایین رفتن آن، این هزینه کم و زیاد می‌شود و در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات اثر می‌گذارد و قدرت رقابت تولیدکننده داخلی با تولیدکنندگان خارجی را که بهره بسیار کمتری می‌پرداختند، تضعیف می‌کند. این سود «علی‌الحساب» برای بانک‌ها نیز جزئی از هزینه عملیاتی آنها را تشکیل می‌دهد. به‌هرحال با این اقدام «پول» در بانکداری بدون ربا نیز «قیمت» پیدا کرد؛ حال آنکه «قیمت پول» در بانکداری ربوی معنا دارد و چیزی جز «نرخ بهره» نیست.

ارسطو معتقد بود «تجارت یک رباگیرنده کوچک به دلایل متعددی منفور است. شخصیت عمومی رباخواران مشخصاً منبعث از حرص و طمع آنان است» چرا؟ به این دلیل که «آنان از خود پول سود می‌کنند، به جای اینکه آن را در فرایندی به کار برند که پول وسیله‌ای برای آن بوده است» (رضوی و شمسیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

اما با تصویب قانون تشکیل «بانک‌های خصوصی» در دهه سوم به بعد، به‌ویژه با پیدایش قارچ‌گونه «مؤسسات مالی - اعتباری» و «تعاونی‌های اعتبار» از ناحیه «سود علی‌الحساب» مشکلات بیشتری ظهور کرد. از جمله بانک‌ها و مؤسسات جدید که انتظار می‌رفت با فعالیت آنها رقابت مثبت برای جذب منابع و اعطای تسهیلات بروز کند و هزینه‌های بانکی کاهش یابد و نرخ سود بانکی نیز روند کاهشی را طی کند، به رقابت مخرب در اعلام و اعمال «سود علی‌الحساب» پرداختند و با افزایش نرخ سود اعلامی و مسابقه در آن، حتی در مواردی تولیدکنندگان را به تعطیل بنگاه تولیدی و انتقال منابع مالی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای دست‌یافتن به «سود پول» بدون هزینه و ریسک کشاندند؛ زیرا تولیدکننده باید هزینه استهلاک سرمایه، هزینه بهره پول، هزینه نیروی کار و سهم بیمه او، هزینه مالیات و عوارض، هزینه آب، برق، مخبرات و ارتباطات و سایر هزینه‌ها را تحمل کند و ریسک تجاری، ریسک نرخ ارز، ریسک نرخ بهره پول، ریسک ناشی از توقف تولید بر اثر خرابی دستگاه‌ها و ریسک نوسان قیمت محصول بر اثر رقابت

در بازار را تحمل کند؛ ولی سپرده‌گذار در بانک، هزینه و ریسکی را در مقایسه با تولیدکننده و تاجر تحمل نمی‌کند.

رقابت بانک‌ها در افزایش «سود علی‌الحساب» به آنجا رسیده است که وام‌گیرندگان از بانک‌های بزرگ دولتی و غیردولتی، تسهیلات را با نرخ پایین‌تری دریافت می‌کنند و بلافاصله در مؤسسات مالی اعتباری و بانک‌هایی که با نرخ بالاتری سود می‌دهند، سپرده‌گذاری می‌کنند و بدون داشتن سرمایه قابل توجه و صرفاً با گرفتن وام، سالانه درآمد هنگفتی را به دست می‌آورند. صاحبان وجوه کلان با مدیران و اعضای هیئت مدیره و سایر مسئولان و مدیران بانکی وارد مذاکره و چانه زنی می‌شوند تا نرخ بهره بالاتری دریافت کنند و ثروت نقدی آنها در بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری به صورت روزافزون و به‌همین‌وار افزایش می‌یابد؛ این در حالی است که بانک‌ها از مشکل کمبود نقدینگی رنج می‌برند؛ لذا در برخی موارد به تقاضای افزایش نرخ «سود علی‌الحساب» به صاحبان وجوه کلان تن می‌دهند تا این منابع را به بانک خود جذب کنند.

در شرایطی که در سال‌های اخیر شاهد کاهش نرخ تورم به کمتر از ۱۰٪ هستیم، اما «نرخ سود بانکی» متناسب با آن کاهش نیافته است. با وجود توافق بین بانک‌ها و بانک مرکزی جهت کاهش «نرخ سود» برای سرمایه‌گذاران، با جستجوی راهکارهایی برای دورزدن توافق و بخشنامه بانک مرکزی، جهت عدم کاهش «سود بانکی» برآمده‌اند از جمله بخشی از تسهیلاتی که به مشتری تخصیص می‌یابد، نزد بانک بلوکه می‌شود تا بانک با وام‌دهی مجدد از آن استفاده کند؛ اما مبلغ بلوکه شده در محاسبه «سود بانکی» نیز منظور می‌گردد؛ به عبارت دیگر همان نرخ بالاتر از مشتری دریافت می‌گردد و در ظاهر نرخ اعلامی بانک مرکزی در قرارداد ثبت می‌شود. علت این ترفندها را مدیران بانک‌ها، بالابودن «قیمت پول» و «هزینه عملیاتی» بانک اعلام می‌کنند که ترجمان واقعی آن، چیزی جز «سود پول» که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، نیست.

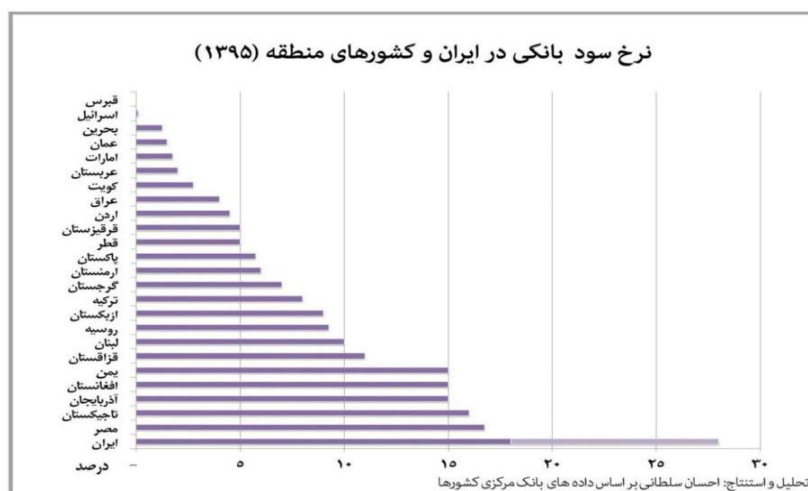
در بانکداری متعارف «قیمت پول» که همان «نرخ بهره» باشد، معنا دارد؛ درحالی‌که در بانکداری بدون ربا «قیمت پول» بی‌معناست؛ زیرا سود سپرده‌گذاران باید حاصل از سود بخش واقعی اقتصاد، یعنی بازار کالاها و خدمات باشد و بانک پس از شناسایی سهم سود

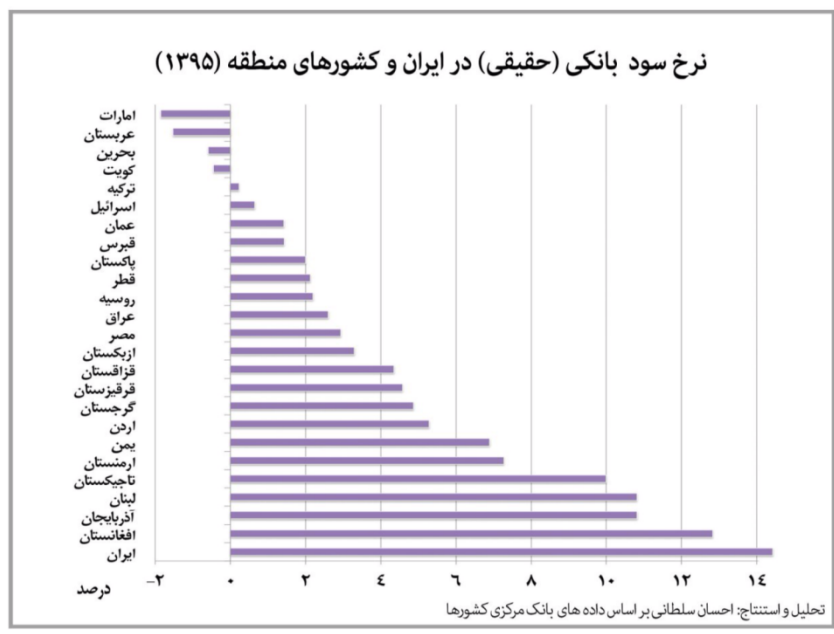
بانک ناشی از سرمایه‌گذاری در بازار کالاها و خدمات و پس از کسر حق‌الوکاله بانک - که باید پیشتر اعلام شده باشد - مابقی سود حاصل را بین سپرده‌گذاران توزیع کند.

نرخ بالای سود «علی الحساب» باعث شده است بانک‌ها نتوانند به متقاضیان تسهیلات برای تولید، با نرخ سود کمتری تسهیلات بدهند. این مسئله باعث زیان «بخش مولد» اقتصاد شده است؛ یعنی سودی که بانک‌ها از «بخش مولد» اقتصاد انتظار دارند تا هم این بخش هزینه‌های خود را جبران کند و هم سود مورد انتظار بانک از تسهیلات را پرداخت کند، محقق نمی‌شود و نتیجه آنف افزایش «رکود» در «بخش مولد» اقتصاد است و موجب شده که سرمایه‌ها به «بخش نامولد» هدایت شود. گاهی بنگاه‌های تولیدی از بانک‌ها تسهیلاتی دریافت می‌کنند، ولی آن را در «بخش نامولد» به کار می‌گیرند تا سود بیشتری دریافت کنند و بتوانند تسهیلات بانک و هزینه‌های آن را بپردازند.

نرخ بالای «سود علی الحساب» برای صاحبان وجوه کلان منافع فراوانی دارد؛ زیرا بدون تحمل هزینه و ریسک، سود کلانی دریافت می‌کنند و با مصرف بخشی از سود برای هزینه ماهانه و سالانه زندگی، باقیماند سود را به نقدینگی کلان خود اضافه و سپرده‌گذاری می‌کنند. آمار حدود ده سال گذشته نشان می‌دهد که ۸۰٪ منابع سپرده به بانک‌ها متعلق به ۲٪ سپرده‌گذاران است. آینده چنین روندی بسیار خطرناک است. در نمودار زیر نرخ سود بانکی در ایران و کشورهای منطقه بر اساس داده‌های بانک مرکزی ارائه شده است:

نمودار شماره (۱)





۲. نرخ بالای مطالبات غیرجاری بانکها

مطالبات غیرجاری بانکها مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول می باشد.

مطالبات سررسید گذشته: مطالباتی که بیش از دو ماه و کمتر از شش ماه از سررسید آنها گذشته باشد.

مطالبات معوق: مطالباتی که بیش از شش ماه و کمتر از هیجده ماه از سررسید آنها گذشته باشد.

مطالبات مشکوک الوصول: مطالباتی که بیشتر از هیجده ماه از سررسید آنها گذشته باشد.

بر اساس گزارش مشرق نیوز در تیر ماه ۱۳۹۶ مطالبات معوق بانکها ۱۲۴/۴ هزار میلیارد تومان بوده است. معمولاً در گزارش آمار مطالبات غیرجاری بانکها، مطالبات بانکها از دولت و شرکت های دولتی منظور نمی گردد.

بر اساس گزارش خبرگزاری های تسنیم و ایسنا، بدهی دولت (شامل شرکت های دولتی) به بانکها و مؤسسات اعتباری بین ۱۳۰ هزار میلیارد تومان تا ۲۴۵ هزار میلیارد

تومان نقل شده است. جدول زیر حاوی گزارش بنکر از بدهی دولت به شبکه بانکی در دوازده سال گذشته است. بر اساس ارقام این جدول پایان سال ۱۳۹۵ بدهی دولت به شبکه بانکی ۲۱۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

مطالبات سوخت‌شده: به مطالباتی گفته می‌شود که فارغ از تاریخ سررسید به دلایل مختلف از قبیل فوت، ورشکستگی بدهکار یا دلایل دیگر قابل وصول نباشد (محمدی، مرداد ۱۳۹۵).

جدول ۱: روند تغییر بدهی دولت به شبکه بانکی در ۱۲ سال گذشته

دوره مورد بررسی	حدود حجم بدهی دولت به سیستم بانکی
پایان سال ۱۳۸۴	۲۳ هزار ۵۷۳ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۸۵	۲۵ هزار و ۶۲۱ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۸۶	۲۸ هزار و ۶۳۰ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۸۷	۲۹ هزار و ۱۵۳ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۸۸	۳۶ هزار و ۴۶۳ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۸۹	۵۵ هزار و ۳۴۰ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۹۰	۶۳ هزار و ۸۴۷ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۹۱	۹۱ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۹۲	۱۱۰ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۹۳	۱۴۶ هزار و ۶۰۱ میلیارد تومان
پایان سال ۱۳۹۴	۱۷۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان
پایان ۱۱ ماهه ۱۳۹۵	۲۱۰ هزار میلیارد تومان

منبع: بنکر ۹۶/۰۱/۲۷.

این چالش معلول عواملی است، از جمله:

۱. شرایط ناشی از تحریم‌ها و رکود اقتصادی.
۲. پیگیری نکردن مطالبات از سوی بانک‌ها به دلیل انتفاع از جریمه دیر کرد و احیاناً غلبه بدهی بر ارزش وثیقه و تملک آن توسط بانک.
۳. عدم اعتبارسنجی مشتریان قبل از تأمین مالی و در نتیجه ناتوانی مشتری در انجام فعالیت اقتصادی که موجب برگشت تسهیلات و سود آن به بانک تا سررسید شود.
۴. ارزیابی نکردن موضوع سرمایه‌گذاری مشتری از نظر فنی و اقتصادی و در نتیجه به تولیدنرسیدن پروژه تأمین مالی شده یا به فروش نرفتن محصولات تولیدشده.
۵. عدم نظارت بر مصرف تسهیلات و انحراف تسهیلات به سوی خرید زمین و مسکن و مانند آن و بروز رکود در این بخش و عدم امکان برگشت وجوه.
۶. بازپرداخت نشدن بدهی دولت به بانک‌ها.
۷. فساد اداری.

تأثیر مطالبات غیرجاری بر اقتصاد و بانک‌ها نیز عبارت‌اند از:

۱. عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده بانک‌ها و ایجاد اختلال در درآمدهای بانک.
 ۲. اختلال در روند مدیریت نقدینگی و ناچارشدن بانک به تأمین مالی با سود با نرخ‌های بالاتر که بر سود و زیان بانک نیز تأثیرگذار است.
 ۳. طبق اصول حسابداری بانکی، بانک موظف است برای مطالبات غیرجاری مبلغی به عنوان ذخیره مطالبات در حساب‌ها نگهداری کند که این امر موجب عدم دسترسی سهامداران به مقداری از سودشان می‌شود.
- رئیس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی مهم‌ترین مشکل نظام بانکی کشور را مطالبات معوق دانسته و می‌گوید این مشکل باعث تشدید رقابت کاذب بانک‌ها برای جذب منابع و افزایش نرخ سود شده است (۱۶/ دی / ۹۴ سایت خبر آن لاین)؛ بنابراین یکی از عوامل موثر در افزایش نرخ سود سپرده‌ها، چالش افزونی مطالبات غیرجاری بانک‌هاست.

۳. پایین بودن نرخ کفایت سرمایه بانکها

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک بر حسب درصد می‌باشد: «حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی هشت درصد تعیین شده است» (آئین‌نامه کفایت سرمایه، مصوب شورای پول و اعتبار مورخ ۸۲/۱۱/۲۵ ماده ۳).
جدول ۳: ارقام به میلیارد تومان

نام بانک	سرمایه	سرمایه پایه	نسبت کفایت سرمایه (94)	درصد تغییر
ملت	4000	9130	7.57 درصد	-1.21
انصار	800	1540	8.26 درصد	-0.9 درصد
پاسارگاد	4200	7229	16.1 درصد	-1.14
حکمت ایرانیان	400	456	18 درصد	-11
سینا	1000	1544	12.5 درصد	-1.7
سرمایه (6 ماهه 94)	400	408	3.1 درصد	-2.1
دی	640	1078	8	0
سامان	800	1236	8 درصد	-0.5
شهر	1557	****	****	
قوامین	400	1098	2.13	-0.36
ایران زمین (سال 93)	400	358	5.3	-7.8
آینده	800	1260	2.54	-0.66
صادرات	5780	9690	9.15 درصد	-1.19
تجارت	4570	5391	7.5 درصد	+1.2
اقتصاد نوین	1131	2223	7.75 درصد	-0.34
پارسیان	2376	4227	7.9 درصد	+0.83
خاورمیانه	400	621	18.01	-2.86
کارآفرین	850	1660	16.11	+0.45
مهر اقتصاد	1200	**	**	**
گردشگری	600	659	6.44 درصد	+0.22
بهست بانک	323	243	5.52 درصد	-0.15
قرض الحسنه رسالت (6 ماهه 94)	50	39	0.84 درصد	-0.68
اعتباری کوثر مرکزی	600	837	8.55	+3.2

منبع: تابناک، ۹۵/۵/۲۴

این جدول نشان می‌دهد که ده بانک از حداقل نرخ کفایت سرمایه برخوردارند و پانزده بانک زیر نرخ حداقل هشت درصد قرار دارند؛ البته برخی از بانک‌ها از این نظر در شرایط وخیمی قرار دارند. این مشکل معلول عواملی است، از جمله: افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها، بدهی سنگین بانک‌ها به بانک مرکزی، مطالبات زیاد بانک‌ها از شرکت‌های دولتی، بنگاهداری و بلوکه‌شدن منابع در بنگاه‌های متعلق به بانک‌ها و رسوب سرمایه بانک‌ها در خریداری شعب بیشتر.

پایین‌بودن نرخ کفایت سرمایه آثاری دارد، از جمله: ریسک بانک را بالا می‌برد و احتمال نکول در پرداخت حساب‌های مشتریان را افزایش می‌دهد. قدرت وام دهی بانک‌ها را کاهش می‌دهد. نیاز بانک به منابع بانک مرکزی را افزایش می‌دهد. اعتماد به بانک را برای سپرده‌گذاری مردم کاهش می‌دهد. تعامل با بانک‌های بین‌المللی را غیرممکن می‌سازد و رتبه اعتباری بانک را پایین می‌آورد.

۴. تعداد زیاد شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری

یکی دیگر از چالش‌های نظام بانکی کشور، تعداد زیاد شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری است. آخرین آمار بانک مرکزی حاکی از فعالیت ۲۳ هزار و ۲۳۰ شعبه در قالب ۴۲ بانک و مؤسسه مالی در سراسر کشور است که بر این اساس تقریباً بازای هر ۳۴۰۰ نفر ایرانی یک شعبه بانک، یا مؤسسه مالی - اعتباری در کشور وجود دارد. این آمار شامل صندوق‌های قرض‌الحسنه تک‌شعبه و مانند آن نمی‌شود. این در حالی است که در عربستان برای هر ۱۰۰ هزار نفر ۸/۸ و در سنگاپور برای هر صد هزار نفر ده شعبه بانک وجود دارد (بنکر، چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۱/۴).

این پدیده ناشی از رقابت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای حضور در همه جا و جذب حداکثری نقدینگی مشتریان است. بخش بزرگی از منابع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری صرف خرید یا اجاره اماکن جهت ایجاد شعبه و صرف هزینه‌های گزاف جاری برای استخدام نیروی انسانی و خدمات این شعب است؛ در نتیجه بخشی از سرمایه بانک‌ها و مؤسسات مزبور در این تعداد شعبه بلوکه شده و قدرت پرداخت تسهیلات بانک‌ها را کاهش داده است (ملکی، ۱۳۹۴).

۵. صوری عملکرد بانکها در قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی

یکی از چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران عملکرد صوری قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی بانکها و مؤسسات اعتباری است. هرچند آنچه بیان می‌شود عمومیت ندارد، ولی بررسی پرونده‌های تسهیلات بانکها نشان می‌دهد که غالباً قراردادهای صوری تنظیم می‌شود؛ از جمله در تسهیلات خرید کالا مشتریان با ارائه فاکتورهای صوری خرید کالا اقدام به گرفتن تسهیلات از بانکها می‌کنند. ای بسا مشتری در صدد خرید کالا نباشد و با گرفتن تسهیلات می‌خواهد مشکل دیگری را حل کند.

عملکرد صوری در فروش اقساطی مسکن و خودرو کمتر اتفاق می‌افتد؛ زیرا بانک در هنگام تنظیم سند فروش، نماینده خود را به دفتر ثبت اعزام می‌کند تا سند را در رهن بانک قرار دهد و در مورد خودرو، چک بانکی در وجه شرکت فروشنده کشیده می‌شود؛ ولی در سایر موارد چنین دقت و اهمیتی برای واقعی بودن معامله مشاهده نمی‌شود.

در مورد عقود مشارکتی، با توجه اینکه بانکها ساختار مناسب برای عقود مشارکتی را طراحی نکرده‌اند، قرارداد به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که عملاً عقد مشارکت، تبدیل به معامله‌ای غیرمشارکتی می‌شود و مبلغ سود مشارکت در قرارداد تعیین می‌گردد و بانک نسبت به بیشتر یا کمتر شدن سود بنگاه هیچ‌گونه توجهی ندارد و همان مبلغ سود از قبل تعیین شده را از مشتری مطالبه می‌کند.

۶. جرایم بالای دیرکرد در بانکها و کارکرد ربوی آن

بانک‌های مبتنی بر نرخ بهره در برابر تأخیر بازپرداخت بدهی از سوی وام‌گیرندگان، آنان را مشمول جریمه دیرکرد قرار می‌دهند. ماهیت جریمه دیرکرد بانکها چیزی جز افزایش نرخ بهره نیست. طبعاً بانکداری بدون ربا در برابر نکول بدهکاران در پرداخت بدهی نمی‌تواند از مشتریان جریمه دیرکرد مطالبه کنند؛ البته ضرورت دریافت «خسارت تأخیر» در نظام بانکی بدون ربا قابل انکار نیست (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

راه حلی که در بانکداری بدون ربا مطرح و معمول شده، افزودن «شرط وجه التزام» در قرارداد بانکهاست. بر اساس شرط مزبور، بدهکاری که در پرداخت بدهی از تاریخ سر رسید تأخیر می‌کند، مکلف به پرداخت وجهی می‌شود که ماهیت تنبیهی دارد. از نظر

شرعی بنا به نظر شورای نگهبان، «شرط وجه التزام» و عمل به آن محذوری ندارد (آهنگران و ملاکریمی خوزانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲ به بعد)؛ ولی عملکرد بانک‌ها به گونه‌ای شکل گرفته که بانک و مشتری، این «وجه التزام» را مبلغی در برابر مدت تأخیر پرداخت بدهی تلقی کرده‌اند. بر این اساس بین بانک و مشتری نوعی تفاهم پدید آمده که هر مدت در پرداخت بدهی تأخیر کند، مشکلی بروز نخواهد کرد، فقط باید مبلغ بیشتری در برابر مدت تأخیر بپردازد؛ حال آنکه مقصود از قرارداد «شرط وجه التزام» اقدامی بازدارنده در برابر تأخیر پرداخت بود، آن هم برای یک بار و نه برای چند بار یا پیاپی؛ زیرا به ماهیت ربای جاهلی برگشته است: «زدنی فی الاجل، ازیدک فی المال؛ بر مهلت پرداخت بیفزای، من نیز بر مبلغ اضافه می‌کنم» (موسویان، و ملاکریمی، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

به هر حال آنچه امروزه اتفاق افتاده، انباشتگی جرایم تأخیر یا همان وجه التزام‌هاست؛ به طوری که قدرت بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات مجدد را به شدت کاهش داده و بانک‌ها بر اساس حسابداری تعهدی، این جرایم را سود شناسایی و جزو دارایی‌های خود محاسبه می‌کنند و در نتیجه نقدینگی آنها به شکل صوری افزایش نشان می‌دهد، ولی در عمل این نقدینگی مسموم، امکان وام‌دهی را فراهم نمی‌آورد.

۷. گرایش بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسات اعتباری

همان‌طور که در بند ۱ در مورد «نرخ سود علی‌الحساب» اشاره شد، این نرخ و رقابت در افزایش آن پیامدهای متعددی داشته است؛ از جمله به دنبال بالابردن «نرخ سود علی‌الحساب»، «نرخ سود تسهیلات» نیز برای مشتریان بانک‌ها بالا رفته است و بانک‌ها به بهانه بالابودن «قیمت پول» از مشتریان خود سود بیشتری مطالبه می‌کنند. این سودها بیش از درآمد معمول بخش حقیقی اقتصاد- به‌ویژه در شرایط کاهش نرخ تورم- است.

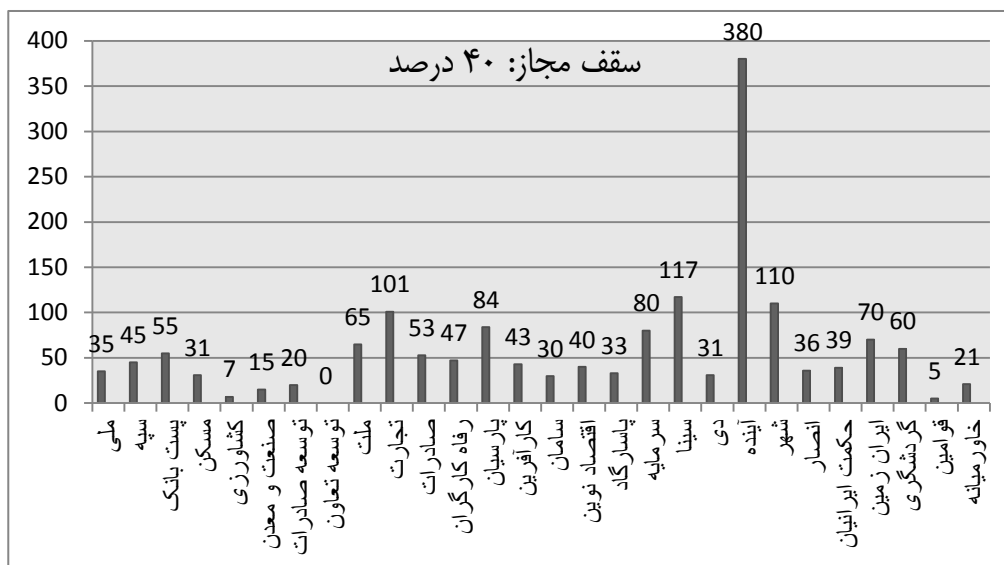
شیرینی درآمد بانک‌ها از بالابودن «نرخ سود تسهیلات» و درآمد بدون ریسک آن، بخش عمومی غیردولتی مانند شهرداری، صندوق‌های بازنشستگی و تعاون سازمان‌ها و نهادها را به راه‌اندازی بانک و مؤسسه مالی - اعتباری سوق داده است؛ به گونه‌ای که طی مدت کمتر از ده سال صدها و هزاران شعبه بانک و مؤسسه مالی - اعتباری از سوی آنها راه‌اندازی شده است؛ حال آنکه این‌گونه فعالیت‌های بانکی و پولی، جزو وظایف ذاتی این

نهادهای و سازمانها نیست و به جای اینکه منابع مالی در بانکهای تخصصی و توسط مدیران و کارکنانی که وظیفه ذاتی آنها انجام خدمات بانکی و تأمین مالی است، قرار داده شود، بخش اعظم این منابع به بانکها و مؤسسات مالی - اعتباری انتقال یافته که نه تخصص لازم را برای اینگونه خدمات دارند و نه توانایی مدیریت ریسک منابع را دارند. ریشه ظهور اینگونه بانکها و مؤسسات «نرخ سود علی الحساب» یا همان «سود پول» است که اگر مسئله اصلی درمان شود، اینگونه مؤسسات نیز تغییر وضعیت خواهند داد.

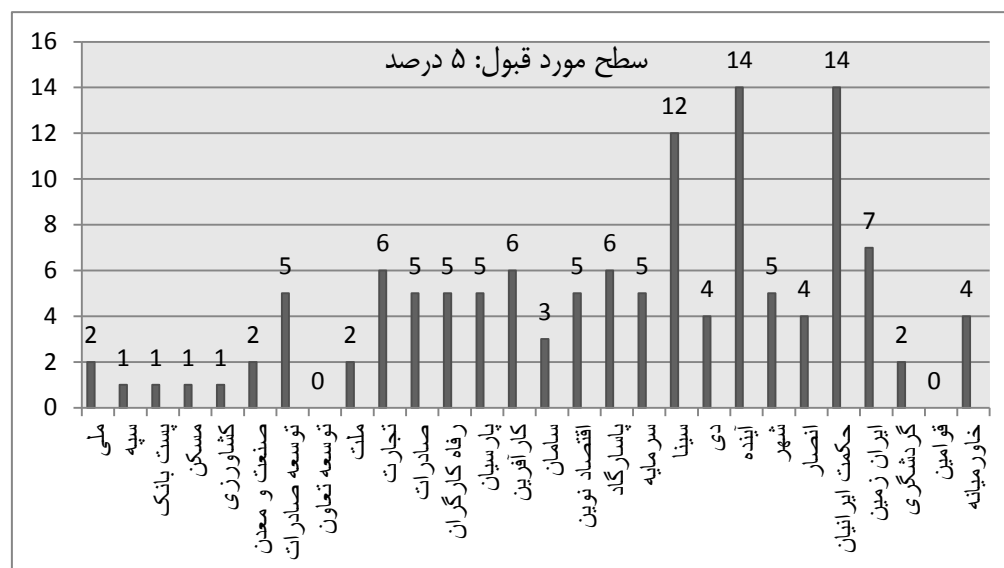
۸. بنگاهداری بانکها

وظیفه اصلی بانکها واسطه‌گری وجوه و تأمین مالی اشخاص حقیقی و حقوقی شامل شرکتها و بنگاههای اقتصادی است. برای بانکها بنگاهداری که اقدامی اقتصادی در بازار واقعی است، از مطلوبیت برخوردار نیست؛ البته در برخی شرایط بانکها ناگزیرند به بنگاهداری تن بدهند؛ مانند اینکه در سرمایه‌گذاری بنگاههای اقتصادی سودآور سهام شوند تا هم در مدیریت این بنگاهها نقش داشته باشند و از اطلاعات فعالیتها و سود و زیان آنها برخوردار باشند و هم منابع بیشتری از اینگونه سرمایه‌گذاریها عاید بانک شود؛ ازاینرو اجازه داده شده که بنگاهها تا سقف میزان ۴۰٪ از منابع مالی خود را در بنگاهداری به کار گیرند. گاهی بانکها ترجیح می‌دهند مستقیماً وارد سرمایه‌گذاری شوند و در مواردی این روش را برای کسب منافع بانک مطمئن‌تر می‌دانند، ازاینرو به ایجاد بنگاه اختصاصی می‌پردازند. به هر حال در سقف تعیین‌شده، این اجازه به بانکها داده شده است. اما در حال حاضر سهم بنگاهداری بانکها به بالای ۵۰٪ منابع آنها افزایش یافته است که قدرت نقدینگی بانکها و نیز قدرت تسهیلات‌دهی آنها را نیز کاهش داده و کارایی بانکها را به شدت پایین آورده است.

جدول ۳: سهم سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها به سرمایه پایه بانک‌ها (درصد)



جدول ۴: سهم منابع درگیر بانک‌ها در شرکت‌ها به دارایی کل (درصد)



یکی از علل افزایش بنگاهداری بانک‌ها تملک وثیقه‌های بدهکاران است که با توجه به بروز شرایط رکود در دادوستد زمین و مسکن و مستغلات، این وثیقه‌ها همچنان در مالکیت بانک‌ها باقی مانده است.

۹. خلق پول توسط بانک‌های عامل

در یک نظام بانکی، بانک مرکزی وظیفه اصلی انتشار اسکناس و مسکوکات و مدیریت نقدینگی کشور و حفظ ارزش پول ملی را بر عهده دارد و بانک‌های عامل تحت نظارت بانک مرکزی به واسطه‌گری وجوه و جمع‌آوری نقدینگی سپرده‌گذاران و انتقال آن به کارآفرینان می‌پردازند. در صورت نیاز به افزایش نقدینگی برای تسهیل دادوستد در بازار، بانک مرکزی وظیفه دارد به‌طور حساب‌شده نقدینگی لازم را در اختیار بنگاه‌ها بگذارد. اگر رشد نقدینگی متناسب با رشد تولید و تجارت تحقق یابد، هیچ‌گاه تورم ناشی از رشد نقدینگی پدیدار نمی‌شود؛ بنابراین در صورت نیاز به نقدینگی بیشتر، بانک مرکزی اقدام به «خلق پول» می‌کند و در شرایط رکود و کاهش سرعت گردش پول، با ابزارهایی که در اختیار دارد، اقدام به کاهش حجم نقدینگی در گردش می‌کند.

اما در حال حاضر با چالش جدیدی روبه‌رویم و آن «خلق پول» توسط بانک‌های عامل است. سازوکار آن بدین‌گونه است که بانک، با تقاضای تسهیلات از سوی مشتریان معادل مبلغ تسهیلات را در طرف بستانکار در حساب بانک منظور می‌کند. در طرف مقابل، همین مبلغ را در طرف بدهکار درج می‌کند. بدین وسیله برابر مبلغ تسهیلات پرداختی به عنوان سپرده در حساب جاری مشتری ایجاد می‌شود و به مقدار ذخیره قانونی - مثلاً ده درصد - از بانک مرکزی می‌خواهد که بانک عامل را بدهکار کند، سپس در صدد جذب نقدینگی از سپرده‌گذاران بر می‌آید تا بدهی به بانک مرکزی را بپردازد و اگر از این راه فراهم نشد، به بازار بین بانکی مراجعه می‌کند تا از آن طریق بدهی خود به بانک مرکزی را بپردازد و اگر بازهم ممکن نشد، بدهی او به بانک مرکزی تسویه نشده باقی می‌ماند.

در حال حاضر یکی از علل بدهی سنگین بانک‌ها به بانک مرکزی همین عامل است. بر اساس گزارش «اقتصادنیوز» در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۶ بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به ۱۰۴ هزار و ۴۹۰ میلیارد تومان رسیده است که رشدی ۲۵/۳ درصدی نسبت به اسفند ۱۳۹۴

نشان می‌دهد و در دوازده ماه منتهی به آذر ماه ۱۳۹۵ رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۲۶/۳ درصد بوده است.

در صورتی که بانک مرکزی نقدینگی جدید خلق کند، منبع مالی برای دولت خواهد بود که می‌تواند در راستای منافع عمومی جامعه هزینه کند - البته زیاده‌روی در «خلق پول» موجب رشد پایه پولی و افزایش نرخ تورم و به زیان عموم است - اما رشد نقدینگی ناشی از «خلق پول» توسط بانک‌های عامل، برای دولت و مردم سودی ندارد، تنها زیان آن متوجه مردم می‌شود.

آخرین رقم نقدینگی که توسط بانک مرکزی اعلام شده، در فروردین ۱۳۹۶ مبلغ ۱۲۶۴ هزار میلیارد تومان است. نرخ رشد نقدینگی در سال ۹۵ حدود ۲۹ درصد بوده است (سایت بانک مرکزی نمودار ۶).

۱۰. بروز فساد در نظام بانکی

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران بخش‌های غیردولتی غالباً به تأمین مالی بانک‌ها نیاز دارند، بانک باید متقاضی را اعتبارسنجی کند و طرح پیشنهادی او را از نظر فنی و اقتصادی ارزیابی کند. در اینجا با مدیران و کارشناسانی روبه‌رو می‌شود که امضای آنان کارگشاست. این‌گونه امضاها - که به امضای طلایی شهرت یافته است - منشأ بروز فساد در نظام بانکی است. علت آن ارتباط چهره به چهره مشتری و کارشناس و عدم شفافیت دادوستدها در نظام بانکی است. این فساد معمولاً به سیستم اداری کشور نیز سرایت می‌کند، به‌ویژه دستگاه‌هایی که موافقت آنها برای تأمین مالی بنگاه‌ها ضرورت دارد. تا اینجا مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی ایران مطرح و تحلیل شد. اکنون به بیان راهکارهای پیشنهادی برای خروج از این چالش‌ها می‌پردازیم:

راهکارهای پیشنهادی برای حل چالش‌ها

۱. حذف یا کاهش نرخ سود علی‌الحساب

در غالب کشورها در بانکداری اسلامی سود علی‌الحساب وجود ندارد، بلکه سود تحقق‌یافته، پس از کسر حق‌الوکاله بانک، بین سپرده‌گذاران توزیع می‌شود. غالباً این سود

بالاتر از «نرخ بهره‌هایی» بوده که بانک‌های ربوی به سپرده‌گذاران خود پرداخت می‌کنند؛ نیز معمولاً بالاتر از نرخ تورم در آن کشورها بوده است؛ این در حالی است که در کشور ما با وجود نرخ «سود علی‌الحساب» معمولاً عکس حالت فوق اتفاق افتاده است.

برای اصلاح نظام بانکی باید «سود علی‌الحساب» را حذف کرد؛ البته معنای آن این نیست که به سپرده‌گذاران سود پرداخت نشود، بلکه در پایان هر سال مالی، بانک و مؤسسه اعتباری با انجام حسابرسی، سود و زیان را محاسبه می‌کند و هرچه سود تحقق یافته باشد، پس از کسر سهم منابع خود بانک و کسر حق‌الوکاله بانک برای وجوه سپرده‌گذاری شده، سود باقیمانده بر مجموع سپرده‌ها متناسب با مبلغ و مدت سپرده‌ها توزیع می‌گردد. از این رو ضرورتی برای اعلام «سود علی‌الحساب» برای جذب منابع مشتریان وجود ندارد؛ همچنان‌که همه شرکت‌ها و بنگاه‌های فعال در عرصه تولید و تجارت در بازار واقعی کالاها و خدمات و در بازارهای مالی، «سود علی‌الحساب» وجود ندارد و مشکلی هم در جذب و حفظ منابع مردم به وجود نیامده است. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری هم باید با بالابردن کارایی خود توانایی‌های خود را نشان دهند و جاذبه لازم برای مشتریان را با پرداخت سود تحقق یافته بالاتر پدید آورند.

البته باید به سپرده‌گذاران اطمینان خاطر داده شود که سود واقعی آنان بی‌کم و کاست، به حساب آنان واریز می‌گردد و بانک مرکزی به عنوان ناظر بر عملکرد بانک‌ها به مردم اطمینان بدهد که بر بانک‌ها و عملکرد آنها و تقسیم سود آنها نظارت دقیق خواهد کرد. اگر یک سال مطابق این روش اقدام شود، سپرده‌گذاران اطمینان خاطر بیشتری پیدا می‌کنند و با توجه به اینکه نظام بانکی مطمئن‌ترین بازار برای سپرده‌گذاری مردم است و ریسک آن در مقایسه با سایر بازارها اندک است، مردم ترجیح می‌دهند که وجوه خود را همچنان در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند.

با حذف «سود علی‌الحساب» پدیده «قیمت پول» در بانکداری بدون ربا تحقق نخواهد یافت و بهانه برای بانک‌ها جهت مسابقه در افزایش هزینه تسهیلات از بین می‌رود و سود در «بازار پول» تابع سود در بازار کالاها و خدمات خواهد بود. در شرایط رونق بازار واقعی کالاها و خدمات، سود بالاتری به سپرده‌های بانکی پرداخت می‌شود و در شرایط رکود بازار، سود کمتری به سپرده‌ها داده می‌شود.

با توجه به حذف «سود علی الحساب» بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ناگزیر نخواهند بود سود از پیش تعیین شده بر بخش تولید تحمیل کند و برای تولید کنندگان «هزینه پول» ایجاد کنند. در این صورت یکی از هزینه‌های تولید که «هزینه پول» است، از صورت هزینه‌های تولید کم می‌شود و قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات در بازار واقعی نیز کمتر از قیمت‌های کنونی خواهد شد و قدرت رقابت تولید کنندگان داخلی در مقایسه با تولیدکنندگان خارجی افزایش می‌یابد؛ بنابراین حذف «قیمت پول» به نفع بخش مولد کشور تمام می‌شود و تا حدی جلوی انحراف منابع بانک‌ها به سوی «بخش نامولد» را می‌گیرد. البته نقش مهم‌تر در جلوگیری از انحراف منابع به سوی «بخش نامولد» را نظارت بانک‌ها بر مصرف تسهیلات دارد.

۲. محاسبه سود علی الحساب به صورت درصدی از سود قابل تحقق سالانه

در صورت حذف نرخ یا کاهش «سود علی الحساب» از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اقبال گسترده بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسه اعتباری کاهش خواهد یافت؛ زیرا علت اصلی این اقدام غیراصولی، درآمد سرشار و بدون ریسک بانک و مؤسسه مالی اعتباری از پدیده «سود پول» است. با حذف این پدیده، انگیزه ایجاد چنین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کاهش می‌یابد و کار بانکداری به بانک‌های دارای ظرفیت‌های تخصصی و مهارت بالاتر ارائه خدمات بانکی سپرده می‌شود و یکی دیگر از چالش‌های نظام بانکی بر طرف می‌گردد. شاید در وضعیتی که ملت ایران طی حدود چهار دهه با نرخ سود علی الحساب برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها اقدام کرده‌اند، حذف یکباره سود علی الحساب، نظام بانکی را با نتایج ناخواسته‌ای روبه‌رو سازد. به علاوه بسیاری از مردم برای گذران زندگی منبع درآمد دیگری ندارند و حذف کامل سود علی الحساب زندگی آنان را مختل می‌کند؛ از این رو بهتر است سود علی الحساب به صورت درصدی از سود قابل تحقق سالانه در نظر گرفته شود که علی الحساب بودن آن معنادار باشد و در حد اکثر ممکن تنظیم نگردد تا امکان پرداخت سود نهایی در پایان سال مالی نیز وجود داشته باشد و بانک‌ها در اعلام سود علی الحساب با هم رقابت نداشته باشند، بلکه رقابت آنها در کاهش نرخ حق الوکاله باشد تا بتوانند سود بیشتری به سپرده‌گذاران بدهند.

۳. راهکارهای برون‌رفت از چالش نرخ بالای مطالبات غیرجاری بانکها

برای برون‌رفت از نرخ بالای مطالبات غیرجاری بانکها اقدامات زیر ضروری است:

۱. اعتبارسنجی مشتریان و تأمین مالی آنها بر اساس رتبه اعتباری مشتری توسط مؤسسات رتبه سنجی اعتباری و تأمین مالی بنگاه‌های خوش‌حساب و قطع همکاری با بنگاه‌های بدحساب و درنهایت واردکردن آنها در لیست سیاه نظام بانکی.
۲. ارزیابی پروژه متقاضی تأمین مالی از نظر فنی و اقتصادی و پیش‌بینی لازم برای سودآوری و برگشت سرمایه و سود آن.
۳. اخذ وثایق با قابلیت نقدشوندگی بیشتر و پرهیز از وثایق با نقدشوندگی پایین.
۴. نظارت بر مصرف تسهیلات از سوی بانک تأمین مالی کننده و جلوگیری از انحراف منابع به سمت خرید زمین، مسکن و مانند آن.
۵. پیگیری بهنگام و جدی مطالبات و جلوگیری از تأخیر پرداخت به صورت قاطع.
۶. اصلاح موضوع جریمه تأخیر به گونه‌ای که به نفع بانک تأمین مالی کننده نباشد تا پیگیری برگشت منابع را جدی‌تر سازد.
۷. ارائه مشاوره به مشتریان در شرایط رکود و کمک به آنها برای خروج از رکود.
۸. نظارت قوی بانک مرکزی برای مدیریت بانکها جهت انجام اقدامات فوق.

۴-۶. راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های عدم کفایت سرمایه، تعداد زیاد شعب و بنگاهداری بانکها

برای بالارفتن نرخ کفایت سرمایه، باید به آزادسازی منابع بانکی با:

۱. پرداخت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به نظام بانکی که اکنون رقم آن به بیش از ۱۴۳ هزار میلیارد تومان رسیده است.
۲. کاهش مطالبات غیرجاری بانکها و مؤسسات اعتباری که رقم آن به بالای ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، با یک برنامه زمان‌بندی شده و قابل اجرا.
۳. پرداخت بدهی بانکها به بانک مرکزی که افزون بر ۱۰۴ هزار میلیارد تومان است.
۴. واگذاری بنگاه‌های در اختیار بانک و وثیقه‌های ملکی در اختیار بانکها.

۵. ادغام شعب بانکها و مؤسسات اعتباری، با ادغام خود بانکها و مؤسسات مالی - اعتباری و آزادکردن منابعی که در خرید و اجاره شعب بلوکه شده است.

۷. راهکار برون رفت از انباشتگی جرایم دیرکرد در بانکها

کاهش مطالبات غیرجاری بانکها که در بند دوم از راهکارها مطرح شد، کمک بزرگی به پیشگیری از انباشت جرایم دیرکرد می‌کند. علاوه بر این در صورتی که جرایم بدهکاران توانا توسط بانک گرفته و به حسابی نزد بانک مرکزی واریز گردد و بانک مرکزی با محاسبه زیان واقعی بانکها، آن را جبران کند و برای بدهکاران معسر پس از اعلام ورشکستگی و صدور حکم قضایی، بدهی آنان که هیچ‌گونه قدرت پرداخت ندارند، از حساب یادشده در اختیار بانک مرکزی به بانکها پرداخت شود، این مشکل نیز برطرف می‌گردد (موسویان، و ملاکریمی، ۱۳۹۵، ص ۲۵).

۸. راهکار برون رفت از عملکرد صوری بانکها

یکی از علل عملکرد صوری بانکها، محدودیت چارچوب‌های استفاده از عقود مبادله‌ای مانند فروش اقساطی بود که با برداشتن این محدودیت و امکان استفاده از فروش اقساطی برای خرید همه انواع کالاها و خدمات، تا حدودی این عملکرد اصلاح می‌شود؛ همچنین با اولویت دادن به عرضه تسهیلات بانکی در قالب عقود مبادله‌ای در تأمین مالی خانوارها، بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ، کمتر نیاز به استفاده از عقود مشارکتی پدید می‌آید تا ناگزیر به صوری عملکردن عقود مشارکتی منجر شود. به بانکها در صورتی اجازه استفاده از عقود مشارکتی داده شود که بتوانند حداقل ۲۰٪ از سرمایه بنگاه‌های بزرگ را تأمین و یک عضو هیئت مدیره بنگاه را در اختیار بگیرند تا به اطلاعات بنگاه دسترسی داشته باشند و امکان پنهان کاری را از بین ببرند و مشارکت واقعی در سود و زیان را تحقق بخشند.

نظارت قوی بانک مرکزی بر عملکرد بانکها برای جلوگیری از عملکرد صوری آنها کمک شایانی به رفع این چالش می‌کند؛ همچنانکه برقراری نظارت شرعی بر عملکرد بانکها و تدوین گزارش انطباق با مسئولیت عملکرد آنها برای مشتریان اطمینان خاطر لازم را فراهم می‌آورد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴).

۹. راهکار جلوگیری از «خلق پول» توسط بانک‌های عامل

یکی از راه‌های جلوگیری از «خلق پول» توسط بانک‌های عامل این است که سپرده‌های حساب جاری به مجرد واریز به بانک، به حساب بانک مزبور در بانک مرکزی منظور گردد و در صورت مراجعه مشتری برای برداشت از حساب خود، بانک یادشده از حساب خود در بانک مرکزی برداشت کند تا «خلق پول» توسط بانک‌های عامل اتفاق نیفتد و آثار زیان‌بار آن دامنگیر بخش واقعی اقتصاد نشود.

البته برای تأمین منابع مالی متناسب با رشد اقتصادی، نیاز به افزایش نقدینگی است. این افزایش نقدینگی باید توسط بانک مرکزی صورت گیرد و با هدایت نقدینگی مزبور به مهم‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای، حاصل آن رشد و پیشرفت اقتصاد کشور باشد.

۱۰. راهکار پیشگیری از «فساد» در نظام بانکی

اولاً باید نظام بانکی کشور کاملاً شفاف‌سازی شود و با الکترونیک‌کردن کامل فعالیت بانک‌ها، همه داد و ستدها، سپرده‌گذاری‌ها و تأمین مالی‌ها از طریق ارتباطات الکترونیک انجام گیرد و اطلاع‌رسانی شود؛ به گونه‌ای که معاملات بانکی بدون هیچ نوع ابهام و جهالتی نسبت به حقوق بانک و مشتریان انجام شود (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸).

ثانیاً نظارت دقیق و مستمر بانک مرکزی از طریق دسترسی الکترونیک ناظران آن به داد و ستد بانک‌ها و کسب اطلاع منظم از طریق سامانه جامع نظام بانکی مستقر در بانک مرکزی صورت گیرد.

ثالثاً هر ذی‌نفع واحد در نظام بانکی از یک حساب قابل کنترل برخوردار باشد و جلوی ایجاد حساب‌های متعدد و بده‌بستان بین آنها و صورت‌سازی توانایی مالی بیشتر گرفته شود.

رابعاً امضاهای طلایی توسط مدیران و کارشناسان بانکی و کارشناسان سازمان‌های اداری بخش دولتی برداشته شود.

خامساً برخورد قاطع با هرگونه بروز فساد در نظام بانکی صورت گیرد. امید است با اقدام به اجرایی‌شدن راه‌حل‌های یادشده نظام بانکی از چالش‌های یادشده رهایی یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله مهم‌ترین چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران با روش توصیفی مطرح و با روش تحلیلی به علل و عوامل بروز چالش‌های مزبور پرداخته شد. چالش‌ها عبارت بود از: رقابت بانک‌ها در افزایش «نرخ سود علی‌الحساب» به سپرده‌ها و به دنبال آن بالابردن نرخ سود تسهیلات؛ نرخ بالای مطالبات غیرجاری بانک‌ها؛ پایین بودن نرخ کفایت سرمایه بانک‌ها؛ تعداد زیاد شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری؛ صوری عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری در عقود مبادله‌ای و مشارکتی؛ جرایم انباشته شده دیرکرد و کارکرد ربوی آن؛ گرایش شدید بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسات مالی - اعتباری؛ بنگاه‌داری بانک‌ها؛ خلق پول توسط بانک‌های عامل و بروز فساد در نظام بانکی و اداری.

در پایان، اقدام به ارائه راه حل برای چالش‌های فوق صورت گرفت؛ از جمله حذف یا کاهش «سود علی‌الحساب» نسبت به سود نهایی سالانه بانک به عنوان مهم‌ترین راهکار برای برطرف ساختن چالش‌های یادشده و به دنبال آن، کاهش اقبال گسترده بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسه مالی - اعتباری، اعتبار سنجی مشتریان، ارزیابی پروژه‌ها از نظر فنی و اقتصادی، اخذ و نائق با قابلیت نقد شوندگی، نظارت بانک بر مصرف تسهیلات، پیگیری قاطع پرداخت مطالبات بانک، اصلاح موضوع جریمه تأخیر، بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها، پرداخت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و برقراری انضباط مالی، تنظیم یک برنامه زمان‌بندی شده برای کاهش مطالبات جاری و واگذاری بنگاه‌های بانک‌ها و ادغام بانک‌ها و کاهش شعب آنها، واریز جرایم دیرکرد به حسابی در بانک مرکزی، برداشتن محدودیت استفاده از فروش اقساطی برای خرید همه انواع کالاها و خدمات و محدود کردن عقود مشارکتی به تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ و قرارداد یک کرسی مدیریتی بنگاه در اختیار بانک، ممانعت از خلق پول توسط بانک‌های عامل با واریز فوری سپرده‌های جاری به بانک مرکزی و بالأخره ایجاد شفافیت در نظام بانکی کشور با الکترونیک کردن کامل فعالیت بانک‌ها و داد و ستدها و نظارت قوی و مستمر بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها از طریق سامانه جامع اطلاعات بانکی که در اختیار بانک مرکزی است و برخورد قاطع با تخلفات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.

منابع و مأخذ

۱. آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی خوزانی؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، س ۱۰، ش ۴۰، ۱۳۸۹.
۲. آئین‌نامه کفایت سرمایه، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۳. اعتصامی، سیدامیرحسین و محمدجواد شریف‌زاده؛ «مدیریت عقود مشارکتی بانک‌ها بر اساس الگوی تکافل اصناف»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، س ۱۳، ش ۵۰، ۱۳۹۲.
۴. اکبری، محمود؛ «عقد اجاره به شرط تملیک در بانکداری بدون ربا (ماهیت فقهی، چالش‌های فقهی)»؛ رساله دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.
۵. الهام، صادق؛ «چالش‌های فقهی اجرائی شدن عقود در بانکداری اسلامی با مطالعه موردی مضاربه و جعاله»؛ رساله دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴.
۶. انصاری، علی؛ «دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تأکید بر وضعیت بدهکار»؛ **فصلنامه اقتصادی اسلامی**؛ س ۱۱، ش ۴۱، ۱۳۹۰.
۷. جلالی، حسن؛ «بررسی فقهی فروش اقساطی در نظام بانکداری بدون ربا و شبهات آن و ارائه راهکار (مطالعه موردی بانک ملی ایران)»؛ رساله دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۸. رضوی، مهدی و اسماعیل شمسینان؛ «بررسی سیستمی تعیین نرخ سود بانکی در ایران»؛ **جستارهای اقتصادی**؛ س ۷، ش ۱۳، ۱۳۸۹.
۹. سایت بانک مرکزی - قانون عملیات بانکی بدون ربا.
۱۰. سایت بانک مرکزی، نمودار شماره ۶.
۱۱. سایت خبر آن‌لاین (۱۳۹۴) آءادی.
۱۲. سبحانی، حسن و محمد امیرعلی؛ «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۴، ش ۵۵، ۱۳۹۴.
۱۳. صمدی، علی حسین و مجتبی پروین؛ «بررسی چالش‌های نظری و عملی بانکداری جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیر اسلامی»؛ مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران شهرپور، ۱۳۹۴.

۱۴. طالبی، محمد؛ «شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر چالش‌های نظام بانکی»، نشریه علمی - پژوهشی بهبود مدیریت؛ س ۱۰، ش ۳، ۱۳۹۵.
۱۵. علینقی لنگری، محمد امین؛ «الگوی مطلوب سود بانکی در نظام بانکداری اسلامی بر اساس آموزه‌های فقه امامیه»؛ رساله دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴.
۱۶. محمدی، فرشید؛ سایت بانک مرکزی، گزارش مطالبات غیرجاری بانک‌ها، ۱۳۹۵ (<https://www.cbi.ir>).
۱۷. ملکی، منصور؛ گزارش نحوه پراکندگی شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در سطح کشور؛ تهران: بانک مرکزی، معاونت نظارت بانک مرکزی، ۱۳۹۴ (<https://www.cbi.ir/page/13929.aspx>).
۱۸. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ «آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ س ۱۴، ش ۵۴، ۱۳۹۲.
۱۹. موسویان، سیدعباس و فرشته ملاکریمی؛ «تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ س ۱۶، ش ۶۴، ۱۳۹۵.
۲۰. نظریور، محمدنقی و علی رضائی؛ «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات»؛ تحقیقات مالی اسلامی؛ س ۲، ش ۴، ۱۳۹۲.
۲۱. نظریور، محمدنقی، محمدرضا یوسفی و ممینت ابراهیمی؛ «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ مطالعه موردی بانک تجارت مشهد مقدس»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ س ۱۱، ش ۴۳.
۲۲. نظریور، محمدنقی و سیدعباس موسویان؛ بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه؛ قم: انتشارات دانشگاه مفید و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳.
۲۳. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ مسائل کنونی پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها؛ چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵.